

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنْما به ما که هستی

آنگه بگو که هستی؟

(۶۰) رازِ سَعَادَت

آن آشنا فرمود:

- مقوله سوم در زمینه خصوصیاتِ شخصِ کاملاً غریزی، فرد گرایی، آن هم به شکلی بسیار افراطی، است.

از آن جا که چنین فردی خود را محور جمع می داند و نه یک جزء معمولی از آن، لذا همواره برایش من

مطرح است و نه ما.

و به همین خاطر، شخصِ کاملاً غریزی به جای همکاری و کار جمعی، تا آن جا که بتواند، فردی عمل

می کند، و حتی اگر لازم ببیند، رو در روی دیگر اعضای جمع می ایستد.

گفتم:

- ولی این گونه افراد، در بسیاری از موارد، با دیگران همکاری دارند و در کارهای گروهی شرکت می کنند، و بیشتر هوادار دیگر اعضای جمع اند، نه رو در روی آن ها.

فرمود:

- بلی.

شخص کاملاً غریزی، گاهی، به اتحاد و همکاری با سایرین روی خوش نشان می دهد؛ ولی اتحاد و همکاری او تنها با کسانی است که نیات او را بهتر برآورده می سازند و نیز صرفاً برای رسیدن به اهدافی است که از طریق کار فردی دست یافتنی نیستند.

افزود:

- البته در داخل جمع نیز رفتارهای خود محورانه ای از وی سر می زند؛ همواره می خواهد بر جمع ریاست کند و تا جایی به همکاری ادامه می دهد که حرف او باشد و یا هدف گروه در تضاد با اهداف شخصی اش قرار نگیرد. ضمناً، در تمام مدت همکاری ظاهری با دیگران، او مُدام به فکر آن است که، در اولین فرصت، جمع کاملاً متعلق به خودش را ایجاد کند.

ادامه داد:

- علاوه بر این، اگر چنین فردی در مواردی تصمیم بگیرد که از دیگر اعضای گروه جانبداری کند صرفاً به این خاطر است که او جمع را متعلق به خود می داند.

او در این هواداری ها هم جانب انصاف را رعایت نمی کند؛

مثلاً در یک مُنازعه و یا مُباحثه، او پُشتیبانِ هم ولایتی ها و یا همفکرانِ خود است، حتی اگر حق با آنان نباشد،

و یا

در تماشایِ مسابقات، همواره مُشوقِ تیمِ خودی است، هرچند آن تیم بسیار بد بازی کند.

فرمود:

- گرچه این رفتار های فرد گرایانه اِفراطی، در همه زمینه ها، از شخص کاملاً غریزی سر می زند ولی در

امور اقتصادی جلوه بیشتری دارد:

در این عرصه، مالکیتِ فردی و خصوصی برایش یک اصل است

و

در تمامی فعالیت های اقتصادی او، خودش و منافع اش در مرکز امور قرار دارند و گذشت و ایثارگری

برایش بی معناست

چون قویاً معتقد است که

مقوله اقتصاد جایی برای نازک دلی نیست.

پرسیدم:

- پس دوستان او چه می شوند و کجا جای دارند؟

فرمود:

- چنین شخصی دوستی و رفاقت را نمی‌شناسد. برایش رفاقت همان تجارت است و در نظر وی رفیق کسی است که به او سودی برساند.

پرسیدم:

- چه نوع سودی؟

پاسخ داد:

- هر چیزی که در نهایت بتواند به شکل پول یا مال درآید.

کسب پول و اموال شخصی برایش هدف اصلی اند؛

چون او داشتن پول و اموال شخصی، آن هم به صورت کاملاً متعلق به خودش، را یکی از بارزترین راه‌ها برای نشان دادن برتری خود بر دیگران می‌داند.

افزود:

- به همین خاطر، شخص کاملاً غریزی به شدت پول پرست است؛ چون به زعم او با پول می‌توان نه فقط اموال بلکه افراد را هم خرید.

در نظر او هر کس قیمتی دارد.

دیر یا زود می‌توان به قیمت او پی برد و، با پرداخت آن، وی را به چنگ آورد.

ادامه داد:

- ضمناً پول صرفاً برایش یک چیز ارزشمند نیست بلکه، در چشم او، پول و ارزش یک چیز اند.

فرمود:

- حرص و زیاده خواهی شیوهٔ همیشگی او برای به دست آوردن پول و اموال بیشتر است.

این که این دو از چه راهی به دست آیند برایش بی اهمیت است.

در نتیجه، برای او درآمد مهم است نه کار.

به بیان دیگر، این که کاری انجام بشود یا نشود نزد او هیچگونه اهمیتی ندارد؛ کافی است درآمدی به دستش برسد، حال از هر راه که باشد.

از این رو پدیده های اجتماعی کثیفی چون رباخواری را، چه آشکار باشد و چه پنهان، فعالیت های طبیعی اقتصادی می داند.

پرسیدم:

- در رابطه با اموال مشی او چگونه است؟

پاسخ داد:

- این جا نیز کافی است که اقلامی به چنگ اش بیفتند؛ مهم نیست از چه راهی

او چشم طمع به داشته های سایرین دارد

شعار او این است: مال خودم مال خودم؛ مال دیگران هم مال خودم

او، خیلی راحت و با خیالی آسوده، غصب و کلاهبرداری را به نام زرنگی توجیه می کند.

فرمود:

- اصولاً چنین فردی در توجیه ید طولایی دارد:

بُخل و خساستِ خود را صرفه جویی، و حرص و افزون طلبی اش را سخت کوشی می نامد.

و افزود:

- اما علی رغم سخت کوشیِ ظاهری اش، او موجودی بسیار تَنَبَل است.

پرسیدم:

- در چه زمینه ای کاهلی می کند؟

پاسخ داد:

- او هم به تنبلیِ فکری دُچار است و هم به تنبلیِ جسمی.

با تعجب گفتم:

- شخصی که از نظر فکری تنبل است، از هر گونه تلاش فکری و یادگیری می گریزد، حال آن که افراد کاملاً

غریزی گاه یا خود بسیار مُبتکرانند و یا پا به پای آخرین یافته ها و شیوه ها ی موجود پیش می روند.

فرمود:

- آری. اما این خلاقیت ها و پیشگامی ها تنها برای یافتنِ راه های جدید برای کسبِ درآمدِ بیشتر است.

گفتم:

- در موردِ سختِ کوشیِ هایِ آشکارِ شخصِ کاملاً غریزی چه می گوئید؟

فرمود:

- سختِ کوشیِ هایِ ظاهریِ او، که در زمانِ حالِ از او سر می زند، فقط ناشی از حرصِ پول و عشق به مالِ

دنیا نیست؛

بلکه تلاشِ هایِ کنونیِ اش معطوف به این هدف است که، هر چه زودتر، در آینده، صاحبِ کسب و کاری

شود که در آن دیگران کار کنند و او، از راهِ استثمارِ ایشان، بخورد و بخوابد، به گردشِ برود، و تفریح و استراحت کند.

افزود:

- البته او این استثمار را لطف در حقِ دیگران و پهن کردنِ سفره برای آنان می نامد.

پرخاشگرانه گفتم:

- پس، در واقع، شخصِ کاملاً غریزی با این گونه توجیهات می کوشد تا ماهرانه و مکارانه دیگران را فریب

دهد.

فرمود:

- هیچگاه به این گونه اشخاص دشنام ندهید و ناسزا نگویید،

اینان گناهکار نیستند بلکه بیمار و گرفتار اند؛

گرفتار بیماری نادانی اند؛ که از مهلک ترین امراض برای نابودسازی دنیا و آخرت انسان هاست.

آنگاه آن آشنا کوشید تا دلسوزی بیشتری را نسبت به اشخاص کاملاً غریزی در من برانگیزد:

فرمود:

- ضمناً بد نیست بدانید که یک شخص کاملاً غریزی، علی رغم داشتن این تصور واهی که زیرک تر از دیگران

و عقل کل است، خودش ممکن است، به سادگی، گول بخورد.

برای فریب این گونه افراد، کافی است که یک مُشت افراد مُبتلا به نادرستی و چاپلوسی، به دروغ، وانمود

کنند که یار و کنار او هستند و او را به عنوان رهبر و فرد برتر از خود قبول دارند.

با لحنی اندوهگین افزود:

- این نوع فریب خوردن ها همواره در کمین و، گاهی هم شاید "به حق"، سرنوشت محتوم کسانی

است که خود را زرنک تر از دیگران می پندارند.

ادامه داد:

- لازم است یک بار دیگر این نکته بسیار مهم را گوشزد کنم که

خصوصیاتِ فردِ کاملاً غریزی به آن صورتِ افراطی و حیوانی که در او دیده می شوند نکوهیده و مذموم

اند

والا

بُروزِ شِکلی مُتعالِد و منطقی از ویژگی های غریزیِ انسانی در انسان های معمولی گاهی قابلِ توجیه

است.

گفتم:

- لطفاً در موردِ نادانیِ شان، آن بیماریِ مرگبار، برایم بیشتر بگویید.

فرمود:

- این ردائِلِ اخلاقی که از اشخاص کاملاً غریزی سر می زنند، همگی از یک نگاهِ نادرست نسبت به خود،

هستی، و جایگاهِ خود در هستی ناشی می شوند.

یعنی از یک جهانِ بینیِ غلط و انحرافی.

افزود:

- و در مقابل،

همه فُضائلِ اخلاقی که در انسان های فطری دیده می شوند از یک جهانِ بینیِ درست بر می آیند.

آن آشنا ادامه داد:

- به خواست و اذن "او"، در گفتگو های آتی، راجع به

فضائل فطری و جهان بینی درست زیربنای شان، و مقایسه آن ها با ردائل غریزی،

و نیز

نحوه جایگزین نمودن فضائل به جای ردائل، که همان شیوه سلوک برای بازگشت به بهشت سرشت

است،

به تفصیل، برای شما سخن خواهم گفت.

فعلاً به بیان این دو نکته بسنده می کنم که

جهان بینی انسان های فطری، نگاه توحیدی به هستی است.

و

جهان بینی توحیدی، و عمل به فضائل برآمده از آن، راز نیل به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت

است.

پایان فصل چهارم

ادامه دارد